



## The Importance of the Dialogue among the Followers of Divine Religions with Emphasis on Women's Issues based on the Model of the Quran and the Progeny of the Prophet (PBUH)

Laleh Eftekhari<sup>1</sup>

Doi:

10.30497/flj.2026.248304.2190



### Abstract

Dialogue between groups has been constantly considered in Islam. In this regard, dialogue between the followers of different religions is of particular importance. On the one hand, the lack of awareness of the realities existing in religions and the incomplete, partial or distorted knowledge of their followers of each other has caused differences, conflicts and ultimately abuse by enemies. On the other hand, in issues related to women and the family, their first and second models (going to extremes) have not been able to respond the needs of this society, but have themselves caused double differences and created a bipolar atmosphere among them. Meanwhile, presenting a model based on the Quran and the progeny (AS) or the third model (the moderate model proposed by the Supreme Leader) and its spreading through dialogues between followers of religions, especially among their elites, can help to creation of mutual understanding, reducing tensions and solving their problems, ultimately leading to synergy in the women's society. An important matter that has only been explained and considered to its importance so far, but the role of dialogue has not been examined in it. Therefore, this research, by using library resources and a documentary-analytical method, has examined the importance of dialogue among followers of divine religions, focusing on women's issues based on the model of the Quran and the progeny, and has examined its effectiveness, necessity, importance and requirements, such as paying attention to the three areas of brain ware, hardware and software, and common axes of dialogue such as political, economic rights, etc.

**Keywords:** The model of the Quran and the progeny (AS), divine religions, dialogue, women's and family models, convergence.

---

1. Assistant Professor, Department of Quranic Sciences & Hadith, Faculty of Sciences of Humanities, University of Shahed, Tehran, Iran. [eftekhari@shahed.ac.ir](mailto:eftekhari@shahed.ac.ir)

## اهمیت گفت‌وگو در میان پیروان ادیان الهی با تکیه بر مسائل زنان و خانواده مبتنی بر الگوی قرآن و عترت علیهم‌السلام

لاله افتخاری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۱

Doi: 10.30497/flj.2026.248304.2190

### چکیده

گفت‌وگوی میان گروه‌ها پیوسته در دین اسلام مورد توجه بوده است. در این میان گفت‌وگوی میان پیروان ادیان گوناگون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از سویی، ناآگاهی از واقعیت‌های موجود در ادیان و شناخت ناقص یا جزئی یا تحریف‌شده پیروان آن‌ها از یکدیگر سبب ایجاد اختلافات و درگیری‌ها و در نهایت سوءاستفاده دشمنان شده است؛ از دیگر سو، در مسائل زنان و خانواده، الگوهای اول و دوم (افراطی و تفریطی) آن‌ها نتوانسته است پاسخ‌گوی نیاز این جامعه باشد؛ بلکه خود، سبب اختلاف مضاعف و ایجاد فضایی دوقطبی در میان آنان شده است؛ حال آنکه ارائه الگوی مبتنی بر قرآن و عترت علیهم‌السلام یا همان الگوی سوم (الگوی معتدل مطرح‌شده مقام معظم رهبری) و نشر آن از طریق گفت‌وگوهای میان پیروان ادیان به‌ویژه در میان نخبگان آنان می‌تواند به ایجاد درک متقابل و کاهش تنش‌ها و حل مشکلات آنان کمک کند و در نهایت به هم‌افزایی در جامعه زنان منجر شود؛ امر مهمی که تاکنون تنها به تبیین و اهمیت آن پرداخته شده است؛ لیکن نقش گفت‌وگو در آن، بررسی نشده است. در این پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و به روش اسنادی - تحلیلی، اهمیت گفت‌وگو در میان پیروان ادیان الهی با تکیه بر مسائل زنان و مبتنی بر الگوی قرآن و عترت بررسی شده، و به کارآمدی، ضرورت، اهمیت و الزامات آن همچون توجه به سه حوزه مغزافزایی و سخت‌افزایی و نرم‌افزایی و محورهای مشترک گفت‌وگو همچون حقوق سیاسی و اقتصادی و غیره پرداخته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** ادیان الهی، الگوی قرآن و عترت علیهم‌السلام، گفت‌وگو، الگوهای زنان و خانواده، هم‌گرایی.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد تهران، تهران، ایران.

## مقدمه

زن یکی از ارکان مهم خانواده است و خانواده این مجتمع کوچک انسانی، مانند دیگر اجتماعات نیازمند قوانین و مقرراتی است؛ از این رو، در قرآن کریم نیز مباحث مهمی درباره خانواده مطرح شده است؛ به گونه‌ای که علامه طباطبائی برای شناخت کمال قوانین اسلام، مقایسه آن با قوانین اقوام و ملل دیگر را مطرح می‌سازد (نظریه‌ی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۱۴). از سویی انسان‌ها در جوامع گوناگون در طول زندگی خود پیوسته از الگوهای مختلفی پیروی کرده‌اند. الگوها در حقیقت، گروه‌های مرجع اجتماعی‌اند که شخص در قضاوت و طرز فکر و رفتارهای خود از آن‌ها الهام می‌گیرد (هدایت‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۲۷). الگوها از عوامل مهم تأثیرگذار در سبک زندگی به شمار می‌آیند؛ چراکه سبک زندگی بیشتر متأثر از محیط بیرونی و الگوهای گذشته و حاضر در زندگی است که به تدریج برای هر فرد شکل می‌گیرد (اسمعیلی‌پرزان، فلاح تفتی، ۱۴۰۳، ص ۱۱)؛ از این رو در آیاتی از قرآن بر ضرورت الگوگزینی و الگوپذیری و معرفی الگوهای مثبت و منفی به‌ویژه از جامعه زنان تصریح شده است. در یکی دو قرن اخیر، نادیده انگاشتن حقوق و انتظارات زنان، سبب شد آنان الگوی رفتاری خویش را تغییر دهند و جنبش‌های زنانه‌ای را برای حفظ شأن و دفاع از حقوق پامال شده خود سامان بخشند؛ حرکت‌هایی حق‌گرا اما هیجانی و فاقد الگویی کارآمد که بار دیگر در اثر جریان‌های منحرف و سودجو، با استفاده ابزاری از زنان به حرکتی علیه زنان تبدیل شدند؛ اما تجربه زنان مسلمان ایرانی و حرکت عظیم آنان که به برهم زدن تمام جریان‌های تاریخی ماقبل خود و رسیدن به بلوغ جریان «نه شرقی — نه غربی» انجامید، آنان را به‌عنوان الگو و اسوه زنان جهان و نمادی از کارآمدی دین در حل مشکلات جامعه بشری معرفی کرد و ضرورت رسیدن به تفاهم و نگاه مشترک در جامعه جهانی و انسانی از طریق گفت‌وگوی میان ادیان، در تثبیت حقوق زنان را نمایان ساخت؛ موضوعی که این پژوهش بدان می‌پردازد.

## پیشینه تحقیق

درباره موضوع حاضر تاکنون پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ همچون عظیم‌زاده اردبیلی و خسروری (۱۳۸۸) که در پژوهشی با عنوان مطالعه تطبیقی حقوق زن از منظر اسلام و غرب،

ضمن بررسی این موضوع، با اشاره به آیات و روایات و دیگر مستندات، مشترکات و افتراقات آن را مطرح ساخته‌اند. سازمان فرهنگ و ارتباطات (۱۳۸۴) نیز در کتاب *خانواده و همزیستی مسالمت‌آمیز از نظر اسلام و مسیحیت ارتدوکس* مجموعه مقالاتی از پژوهشگران مسلمان و غیرمسلمان را درباره این موضوع گرد آورده است که حاصل آن، آگاهی از مشکلات مشابه پیش‌روی نهاد خانواده در اسلام و مسیحیت ارتدوکس و نیز راهکارهای مشترک دو آیین برای حل آن است. جستارهایی نیز در خصوص الگوی سوم انجام گرفته است؛ با این حال تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است که به نقش گفت‌وگو در میان ادیان الهی با موضوع زنان و خانواده براساس الگوی وحیانی (مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و بخش تحریف‌نشده دیگر ادیان الهی) بپردازد. پژوهش حاضر در همین باره است.

### ۱. الگوهای زن و خانواده

در طول تاریخ زنان به صورت نوشته یا نانوشته از سه الگو تبعیت کرده‌اند. بنابر بعضی از منابع این سه الگو عبارت‌اند از: خانه‌گریزی، خانه‌نشینی و خانواده‌گرایی همراه با حضور اجتماعی فعال و سازنده؛ خانواده‌گریزی و خانه‌نشینی در جانب افراط و تفریط قرار دارند و خانواده‌گرایی الگوی معتدل و مطلوب زن است. البته این تقسیم براساس ارتباط زنان با خانواده و جامعه صورت گرفته است و با ملاک‌های دیگر می‌توان الگوهای دیگری را نیز مطرح و بررسی کرد (هدایت‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۳۱). مقام معظم رهبری در پیام خویش به کنگره ملی هفت هزار زن شهید کشور الگوهای سه‌گانه را چنین تبیین می‌کند: زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی، و در تعریف غالباً غربی به‌مثابه موجودی معرفی می‌شود که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است. شیرزنان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم «زن نه شرقی، نه غربی» است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۲/۱۵، <https://khl.ink/f/22138>)؛ بنابراین الگوهای زنان را می‌توان به سه الگو تقسیم کرد: ۱. شرقی، ۲. غربی، ۳. نه شرقی — نه غربی.

## ۱-۲. الگوی اول زنان

الگوی اول همان الگویی است که بنابر فرمایش رهبری قرن‌ها زنان را تحت سلطه خود نگه داشته است. شهید مطهری ضمن بیان جایگاه زنان در الگوهای سه‌گانه، الگوی اول را چنین تبیین می‌کند: ۱. شیء گران‌بهای بدون نقش؛ یعنی زنی که همچون شیئی در اختیار همسر و فرزندان است؛ ولی در جامعه نقش مستقیمی ندارد. این همان زنی است که تنها به خود و مسائل پیش‌پاافتاده خانواده توجه دارد و از آنچه در اطراف خود و در جامعه می‌گذرد، بی‌خبر و در برابر آن بی‌تفاوت است (مطهری، ۱۳۸۷). این از آنجا نشئت می‌گیرد که در بسیاری از اجتماعات برای زن جز زاییدن و اداره داخلی خانه نقشی قائل نبوده‌اند. وی ارزان نبوده است که در خیابان‌ها پخش باشد؛ اما او یک شیء گران‌بها است نه شخص صاحب اختیار (مطهری، ۱۳۸۷). این همان زنی است که قرآن او را چنین توصیف می‌کند: «آیا کسی را [شریک خدا قرار داده‌اند] که در زر و زیور پرورش یافته است و [هنگام] مجادله و بحث، بیانش روشن نیست؟»<sup>۱</sup> (زخرف/۱۸). بدیهی است چنین زنی هویت مستقل ندارد و امور او به دست شوهر یا پدرش اداره می‌شود؛ نام و زندگی وی در سایه نام پدر یا همسرش تعریف می‌شود. نظیر آنچه تا سده‌ها و بلکه دهه‌های اخیر در غرب اتفاق می‌افتاد. برای نمونه در فرانسه زن را رفیق مار و فرستاده شیطان می‌دانستند که برای بقای نسل به شکل انسان درآمده است (جلیلی، ۱۳۸۳) و در رساله پولس مسیحیان چنین آمده است که مرد از زن نیست بلکه زن از مرد است و برای مرد آفریده شده است (جلیلی، ۱۳۸۳) تورات نیز گوید: اگر کسی بمیرد و پسری نداشته باشد، ملک او را به دخترش انتقال دهید (جلیلی، ۱۳۸۳) و در جای دیگر آمده است که اگر دختری مالی از اسباط بنی‌اسرائیل را به ارث برد، الزاماً باید با سبط دیگری ازدواج کند تا مایملک او مورد تصاحب فرزندان ذکور بنی‌اسرائیل شود (جلیلی، ۱۳۸۳) و این به معنای نادیده انگاشتن حق مالکیت برای زنان است؛ بنابراین از مجموع عقاید اقوام و تمدن‌های پیشین درباره زن چنین برداشت می‌شود که:

۱. «أَوْ مَنْ يَنْسُو فِي الْجِلْبَةِ وَهُوَ فِي النِّخَامِ غَيْرُ مُبِينٍ.»

- الف - غالباً زن ابزار تملک مرد محسوب می‌شده است؛  
 ب - حاکمیت مطلق در خانواده و در اجتماع از آن مردان بود و زنان اختیاری نداشتند؛  
 ج - زنان مظهر و نماد شیطان بودند؛  
 د - در بیشتر موارد زنان پس از مرگ همسران خود مورد تملک قرار می‌گرفتند؛  
 هـ - زنان فاقد هرگونه حقوق مادی و معنوی در اجتماع بودند؛  
 و - استفاده از زنان صرفاً به سبب بقای نسل و انجام کارهای خانه بود؛  
 ز - برخورد با زنان خشونت‌آمیز بود و مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند (جلیلی، ۱۳۸۳).

## ۲-۲. الگوی دوم زنان

دومین مدل زندگی زنان الگویی است که مقام معظم رهبری از آن به عنوان تعریف غالباً غربی یاد می‌کند که در آن زن، به مثابه موجودی است که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۲/۱۵، <https://khl.ink/f/22138>) شهید مطهری زن در الگوی دوم را شیئی بی‌بها و دارای نقش می‌شمارد. زنی که در جامعه نقش مستقیم دارد؛ ولی به دلیل عدم رعایت حریم و ارتباط ارزان با مردان، قدر و قیمتی ندارد (مطهری، ۱۳۸۷). بعضی آن را الگوی خانواده‌گریزی می‌دانند که در آن دختر یا پسر از تشکیل خانواده خودداری می‌کنند و مجردزیستی را ترجیح می‌دهند یا همسری اختیار می‌کنند و تشکیل خانواده می‌دهند؛ ولی همسر داری و فرزندپروری را مرجوح می‌شمارند و حضور اجتماعی را بر آن ترجیح می‌دهند (هدایت‌نیا، ۱۳۹۶).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که عوامل متعددی در میان یهودیت و مسیحیت سبب گریز جوانان به‌ویژه زنان از ازدواج شده است. برای نمونه، چنین گفته شده است که اگر زن برای شوهر کباب سوخته یا غذای نپخته فراهم کند، دلایل کافی برای طلاق را فراهم ساخته است (جلیلی، ۱۳۸۳). ویل دورانت در این باره می‌نویسد: اگر زن بدون پوشاندن سر خود به میان مردان رود یا با مردی از روی سبک‌سری گفت‌وگو کند، طلاق داده می‌شود (ویل دورانت ۱۳۴۳). البته در گذشته زنان در مواردی همچون عقیم بودن مرد، نشوز و غیر آن حق طلاق

داشتند (جلیلی، ۱۳۸۳). در مجموع شرایط سهل طلاق برای مردان و شرایط سخت و بدون پشتوانه طلاق برای زنان و نیز عواملی دیگر همچون مسئولیت‌گریزی جوانان و مسائل اقتصادی سبب بی‌رغبتی جوانان به ازدواج شده است. از سویی با کاهش ازدواج، شیء‌وارگی زن که در فرمایش رهبری الگوی دوم نامیده شده، ممکن است به صورت تن‌فروشی یا رو سبگیری درآید. این عمل در بعضی نظام‌های تقنینی دنیا جرم است؛ ولی در دنیای غرب تلاش فراوانی برای قبح‌زدایی از آن شکل گرفته است؛ از این رو گاهی، از تن‌فروشان به کارگران جنسی یاد می‌شود که از این منظر تن‌فروشی مانند مشاغل دیگر به رسمیت شناخته می‌شود و مورد حمایت قانون قرار می‌گیرد... در حالی که از نظر اسلام تن‌فروشی همان زنا است (هدایت‌نیا، ۱۳۹۶) و مرتکب آن مستحق مجازات است.

سرانجام قرن‌ها فشار و بی‌عدالتی و محرومیت از حقوق انسانی، زنان را بر آن داشت تا جنبش‌های به اصطلاح فمینیستی را آغاز کنند که به سبب اهمیت و میزان تأثیرگذاری آن حتی بر جوامع مسلمان و غیرمسلمان، به اختصار بدان پرداخته می‌شود.

#### ۱-۲-۲. فمینیسم و جنبش‌های فمینیستی

واژه فمینیسم لغتی است که برای بیان کیفیات زنانه به کار می‌رفت. عده‌ای برآن‌اند که این واژه در سال ۱۸۷۱ برای توصیف زنانی با رفتار مردانه استفاده می‌شد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۱۳)؛ اما به تدریج معنای لغوی خویش را از دست داد و به عنوان اصطلاحی عام برای توصیف چیزی به کار رفت که در اواخر سده ۱۸ و اوایل سده ۱۹، در اروپا و آمریکا با عنوان جنبش زنان معروف بود (دولتی و همکاران، ۱۳۸۸).

برای فمینیسم تعاریف مختلف و گاه متضاد بیان شده است؛ اما در کل در به چالش کشیدن روابط میان زنان و مردان و عصیان در برابر ساختارهای قدرت قوانینی که به زنان به عنوان موجودی درجه دوم نگاه می‌کند، دارای نقاط اشتراک هستند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۳). علت حرکت‌های فمینیستی اعلامیه حقوق بشر فرانسه و به دنبال آن اعلامیه استقلال آمریکا بود که در آن هیچ‌گونه حق و حقوق اجتماعی، سیاسی و حتی انسانی برای زنان در نظر گرفته نشده

بود (موسوی، ۱۳۷۸)؛ از این رو، در سال ۱۷۱۹ در مقابله با آن، یکی از رهبران پاریس به انتشار اعلامیه حقوق زن پرداخت و سبب شد وی و عده‌ای از هم‌زمانش سرخویش را زیر گیوتین از دست بدهند (موسوی، ۱۳۷۸). حال آنکه از عمده‌ترین مطالبات آنان حق رأی، حق مالکیت، حق بهره‌مندی از آموزش، حق آزادی و ... بود (دولتی و همکاران، ۱۳۸۸)؛ مطالباتی که از حقوق اولیه بشری به شمار می‌آید. منشأ این دیدگاه را می‌توان در اندیشه افلاطون دانست که برای زنان و مردان استعدادهای مشابه و در نتیجه توان انجام وظایف مشابه و بهره‌مندی از حقوق یکسان قائل است. در عین حال او زن را ضعیف‌تر از مرد می‌داند و خدا را برای اینکه او را زن نیافریده است، شکر می‌گوید؛ هرچند حتی شاگرد او ارسطو، به تفاوت کمی و کیفی میان زن و مرد و اختلاف وظایف و حقوق آن‌ها براساس قانون خلقت قائل است (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۱۷۰-۱۷۲).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاریخ فمینیسم سه نسل را به خود دیده است؛ نسل اول که در پی مطالبات اولیه انسانی خود بودند و به بخشی از آن دست یافتند. موج دوم فمینیسم با فرا رسیدن سال ۱۹۲۰م، یعنی در همان زمان که زنان در برخی از کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا پس از هفتاد سال مبارزه به قانون حق رأی دست یافتند، پس از یک دوره فترت در اروپا و آمریکا که از آن به تعلیق جنبش اجتماعی تعبیر می‌شود و از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ به طول انجامید، و در سایه نظام سرمایه‌داری ایجاد شد. مطالبات آنان عبارت بود از: تغییر قانون‌های تبعیض‌آمیز میان زنان و مردان و حذف کلیشه‌های مردسالارانه از طریق تجدیدنظر در آن و فراهم کردن تسهیلاتی همچون مهدکودک که زنان بتوانند بهتر در جامعه حضور یابند و فراهم شدن شرایطی برابر برای حضور زنان در کلیسا و اجازه انجام تعالیم الهی همانند مردان. در میان این گروه نیز بعضی به وجود تفاوت‌های زیستی میان زنان و مردان قائل بودند و همین تفاوت در ساختار بیولوژیکی زنان را مهم‌ترین عامل نیاز آنان به مردان و در نتیجه سبب فرودستی آن‌ها می‌خواندند که باید از طریق فناوری و دانش آن را حذف کرد. براین اساس دو جنسیتی بودن جامعه رد می‌شد و با تأکید بر برتری همه‌جانبه زنان نسبت به

مردان، زنان را به دوری از مردان و زندگی جداگانه از آنان تشویق می‌کرد (دولتی، وحسینی اکبرنژاد، ۱۳۸۸). خانم سوزان فالودی نویسنده مشهور آمریکایی در این باره گوید: امروز زنان با آزادی خویش به بردگی گرفته شده‌اند. آن‌ها حلقه طلایی استقلال را به چنگ آورده‌اند؛ اما به قیمت از دست دادن حلقه‌هایی با اهمیت؛ از این رو جنبش زنان بدترین دشمن خود زنان است (فالودی، ۱۳۸۸). در نتیجه این جنبش‌ها جنس‌های جنس‌سومی متولد شد که خالی از مزایای زن و مرد بود (خامنه‌ای، محمد، ۱۳۸۷)؛ اما آنچه سبب شد حرکت فمینیست‌ها از حرکتی حق‌طلبانه (موج اول) به برابری خواهی (موج دوم) و سرانجام به برتری خواهی (موج سوم) منجر شود و آنان به فکر حذف مردان از زندگی خود باشند و نیز آنچه موجب شد مردان عامل این ظلم‌های طولانی در سپهر عمومی و خصوصی زنان در خلوت و جمع باشند، آن است که از نظر آموزه‌های کتاب مقدس، زن در تکوین و آفرینش، فرع بر مرد و در اجتماع نیز باید تابع او باشد. پس با صرف نظر کردن از آگاهی از دیدگاه دیگر ادیان که جایگاه زنان را در کمال و تعالی می‌بینند، باید مقوله دین از میان برداشته شود. به دنبال آن فمینیست‌ها مادری را مایه ننگ دانستند، در حالی که فرزندآوری مقدمه حیات طیبه و مفید برای جامعه و حال و زندگی پس از مرگ انسان است (جوادی آملی، ۱۳۹۳). جوامع بزرگ بشری محصول جوامع کوچک خانوادگی است و مهم‌ترین عاملی که میان افراد خانواده رأفت و ایثار را زنده می‌کند، تجلی روح مادر خانواده است (جوادی آملی، ۱۳۹۵).

فاجعه جریانات فمینیستی یا همان الگوی دوم زن که همچون سونامی فرهنگی شرم‌آوری است که حاصل آن افزایش نرخ طلاق و کاهش ازدواج است، به حدی است که ویل دورانت آن را بزرگ‌ترین حادثه ربع اول قرن بیستم و مهم‌تر از جنگ یا انقلاب روسیه می‌داند که تاریخ چنین تغییر تکان‌دهنده‌ای را ندیده است (مطهری، ۱۳۸۷)؛ تا آنجا که در نتیجه آن، شخصیت پامال شده زنان آن‌ها را به انکار خدای مذکر و پدر و احیای خدای مؤنث وا داشت (تاجور، و پورطهماسبی، ۱۳۸۸).

موج سوم فمینیسم که در دهه ۶۰ تا ۷۰ میلادی خود را نشان داد، به‌رغم موفقیت دو موج دیگر در حذف قوانین تبعیض‌آمیز و قانونی شدن سقط جنین و غیر آن، پس از مدتی به سبب انتقادات درون‌حوزه‌ای دچار افول شد. رهبران این طیف، با تأکید بر طرفداری از مسئله زنانگی، نقش مادری را امری مقدس معرفی می‌کردند (مشیرزاده، ۱۳۸۸) و با مبانی فکری فمینیست‌ها عملاً به مبارزه برخاستند و با شعار «اصلاحیه حقوق برابر را متوقف کنید» وارد این عرصه شدند. آن‌ها به زندگی خانواده با تمام شئون و ارزش‌های آن اعتقاد داشتند و بر این باور بودند که فمینیست‌ها نمایندگان شایسته‌ای برای تمام زنان نیستند (دولتی، ۱۳۸۸)؛ از این رو با داعیه حق حیات، جنبش سقط جنین را امری غیراخلاقی دانستند.

به دنبال این تغییر نگرش و نیز سایه افکندن ویژگی‌های جامعه پُست‌مدرن بر تفکرات فمینیستی، زنانی که با هدف حذف ویژگی‌های جنسیتی و فطری هویت مشترک برای زنان و مردان را شعار می‌دادند، اینک مجبور شدند به وجود تفاوت‌های میان اعضای جامعه زنان اعتراف کنند. در نتیجه، دیگر، زنان موجوداتی یکپارچه نیستند که بتوان برای همه آن‌ها نسخه واحد بیان کرد. با ظهور این تفاوت بیش‌ازپیش، فمینیسم قابلیت خویش را برای رهبری یک مکتب فکری از دست داد؛ بنابراین در موج سوم فمینیسم که عموماً به‌عنوان فمینیسم پست‌مدرن شناخته می‌شود، مسئله تفاوت به اساسی‌ترین مسئله فمینیستی تبدیل شد (دولتی و همکاران، ۱۳۸۸) و سرانجام جریانات فمینیستی بدانجا رسید که مخالفان، درباره آن بحثی را به میان کشیدند که تا امروز راه‌حلی برای آن یافت نشده است: چه کسی از سوی زنان آمریکایی سخن می‌گوید؟ بنابراین با توجه به شکست دیدگاه‌های فمینیستی و عدم موفقیت آن‌ها در نمایندگی از جامعه زنان دنیا ضرورت گفت‌وگو با صاحب‌نظران و فرهیختگان دیگر کشورها به‌ویژه کشورهای غربی که فمینیست از درون آن‌ها رویداده است و غالباً پیرو مسیحیت هستند و تبیین نگاه و الگوی موردنظر قرآن و بلکه مکتب وحی یعنی الگوی سوم زن که از این‌گونه آزمون و خطاها در امان بوده است، امری ضروری می‌نماید.

### ۲-۳. الگوی سوم

افراط و تفریط همواره بزرگ‌ترین قربانگاه حقیقت بوده است. روزگاری بعضی مکاتب و نظریه‌پردازان رسالت زن را تنها در فرزندآوری و خانه‌نشینی می‌دانستند و زمانی فمینیست‌ها به نفی آن پرداختند؛ چراکه با پیش‌فرض‌هایی نادرست همچون پست و پستی‌زا انگاشتن ذات نقش‌های زنانه (نقش‌هایی حیاتی همچون زایش که استمرار نسل بشریت بدان وابسته است و تربیت فرزند که زن را در جایگاه انحصاری مربی بشریت می‌نشانند و تدبیر منزل و تنظیم خانواده که سلول تشکیل‌دهنده جامعه است) به سراغ آن رفتند. این‌گونه نگریستن به این نقش‌های عظیم حیاتی علاوه بر آنکه زنان را از استمرار ایفای این نقش‌ها همراه با عزت و رضایت به‌نحو صحیح باز می‌دارد و در نتیجه حیات بشریت را تهدید به زوال می‌کند و تاریخ نقش‌آفرینی زن را بی‌ارزش قلمداد می‌کند، دگر بار به برتری ذاتی مرد و ارزش شمنندی نقش‌های مردانه صحنه می‌گذارد و این خود ظلم مضاعف دیگری است که به‌عنوان فمینیسم و دفاع از حقوق زن در حق او روا می‌شود. امروز مردانگاری زن، او را دچار از خودبیگانگی کرده، زیست در برزخ زن - مرد، زن را به ورطه بحران شخصیت و کیش دوشخصیتی افکنده است (رشاد، ۱۳۸۴). سیاست و بازی قدرت که روزگاری تنها به حوزه مناسبات عمومی تعلق داشت، با شعار امرشخصی، امر سیاسی است، که فمینیست‌های موج دوم آن را مطرح کردند، به حوزه روابط خصوصی و مناسبات خانوادگی (زن و شوهر) نیز تسری یافت و بسی روشن است که چنین نگرشی تخاصم و تعارض را جایگزین صفا، خلوص، عشق و تعاون میان اعضای خانواده می‌کند و چنین نیز شد. رفتارهای نابهنجار و ستم‌های روا شده بر زن را به اساس وجود نهاد خانواده و ازدواج قانونی و شرعی نسبت دادن و قداست و سلامت این نهاد ارزشمند را شکستن و الگوهای غیرواقعی جایگزین همچون ازدواج سفید یا همان اتخاذ اخدان (نساء/۲۵) موردنهی قرآن را مطرح کردن، گروه‌هایی از جوانان و نوجوانان هرج و مرج طلب در جوامع بشری را ایجاد کرد. این گروه‌ها با هر شکلی از قانون الهی یا انسانی مخالفاند و تنها از رهبر خود کورکورانه پیروی می‌کنند (چارفیلیکس، ۱۳۸۴). این

وضعیت سبب شده است تا از یک سو صاحب نظران و نخبگان جهان در برابر وضعیت کنونی جامعه بشری و آینده سرا سر مشکل آن، احساس خطر کنند و از سوی دیگر زنان ناامید از کارآمدی جنبش‌های فمینیستی در پی دستیابی به راه حلی جدید و طرحی نو باشند و الگویی را بجویند که حقوق انسانی و نیازهای فطری آنان را پاسخ‌گو باشد و این همان الگوی مبتنی بر آموزه‌های دینی و وحیانی و مبتنی بر قرآن و عترت یعنی الگوی سوم زن است.

### ۱-۳-۲. تعریف الگوی سوم زن

الگوی سوم همان الگوی مبتنی بر مکتب وحی است که در ادیان پیشین (بخش تحریف‌نشده آن‌ها) بوده است و همه در آن مشترک‌اند و نمونه کامل شده آن در قرآن و عترت فراهم آمده است. الگویی که حوا، آسیه، مریم، خدیجه، فاطمه، زینب و معصومه علیها السلام براساس آن تربیت شده‌اند؛ بنابراین خاص یک دین نبوده، بلکه بستری مهیا برای گفت‌وگوی میان ادیان است. شهید مطهری در تعریف این الگو گوید: شکل سومی هم وجود دارد و آن این است که زن به صورت شخصی گران‌بها دربیاید؛ هم شخص باشد و هم گران‌بها؛ یعنی از یک طرف شخصیت روحی و کمالات معنوی نظیر آگاهی داشته باشد و از طرف دیگر در اجتماع مبتدل نباشد؛ یعنی آن محدودیت نباشد و آن اختلاط هم نباشد؛ بلکه، حریم که مسئله‌ای است بین محدودیت زن و اختلاط زن و مرد رعایت شود (مطهری، ۱۳۸۷). مقصود از دارای نقش بودن زن، تاریخ‌سازی است. اگر اشخاص گران‌بهای تاریخ ساز باشند، تاریخ مذکر نخواهد بود؛ یعنی تاریخی نیست که به دست جنس مذکر به طور مستقیم ساخته شده است و جنس مؤنث هیچ نقشی در آن ندارد، بلکه تاریخی است. مذکر - مؤنث که هم به دست مرد و هم به دست زن ساخته شده است؛ ولی مرد و زن هر یک در مدار خودشان‌اند (مطهری، ۱۳۹۱).

الگوی سوم زن، الگوی خانواده‌گرایی و حضور اجتماعی است که نسبت به دو الگوی اول و دوم از جامعیت برخوردار است؛ زیرا مطابق آن، زن می‌تواند به لحاظ فردی و در ساحت‌های خانواده و جامعه رشد کند؛ هم همسر و مادر نمونه باشد و هم از راه حضور در مجامع علمی، دانشمندی بزرگ، مدیری موفق، یا معلمی ممتاز باشد. دو الگوی دیگر نیز می‌توانند به طور

نسبی و ناقص الگو باشند. ممکن است فردی خانواده‌گریز باشد؛ ولی بتواند در ابعاد شخصی رشد کند و به مراتب بالای علم و دانش دست یابد. همچنین ممکن است زنی خانه‌نشین باشد و در عین حال بتواند در زهد و تقوا سرآمد دیگران شود؛ اما آن‌ها مانند کسی هستند که عضوی از آنان رشد یافته، و به کمال رسیده؛ ولی اعضای دیگر ناقص مانده است (هدایت‌نیا، ۱۳۹۶). مقام معظم رهبری در این باره گوید: شیر زنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم «نه شرقی و نه غربی» است. زنانی که اوج احساس و لطف و رحمت زنانه را با روح جهاد و شهادت و مقاومت درآمیختند و مردانه‌ترین میدان‌ها را با شجاعت و اخلاص و فداکاری خود فتح کردند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۲/۱۵، <https://khl.ink/f/22138>).

### ۲-۳-۲. ویژگی‌های الگوی سوم

بعضی از ویژگی‌های الگوی سوم زن عبارت‌اند از:

#### ۱-۲-۳-۲. حضور در ساحت رشد و تحصیل

یکی از ویژگی‌های زن تربیت‌شدهٔ مکتب وحی، توانمندی‌های علمی اوست. صدیقه کبری علیها السلام علاوه بر زهد و عبادت و مجاهدت در دانش نیز بی‌نظیر بود و مصحف فاطمه علیها السلام خود گواه بر این مطلب است. سخن تاریخی امام سجاد علیه السلام خطاب به زینب کبری علیها السلام، دانش حضرت معصومه علیها السلام، و نیز بالندگی بانوان مجتهد و متخصص در علوم و حیانی و علوم روز از صدر اسلام تاکنون، گواه دیگری بر این مطلب است. این در حالی است که یکی از مطالبات زنان در جنبش‌های فمینیستی، تساوی در برخورداری از حق علم‌آموزی بوده است؛ از این رو مقام معظم رهبری در تبیین ویژگی‌های الگوی سوم زن، به حضور او در ساحت رشد و تحصیل علم اشاره می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۲/۱۵، <https://khl.ink/f/22138>).

#### ۲-۳-۲-۲. حضور در ساحت حفظ خانهٔ سالم و خانوادهٔ متعادل

دومین ویژگی زن طراز الگوی سوم حضور او در ساحت حفظ خانهٔ سالم و خانواده متعادل است که در کلام مقام معظم رهبری بدان تصریح شده است. مادری آگاه و آشنا با حقوق

۱. «أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ»؛ یعنی: شما بحمدالله بانوی عالمی هستی که آموزگار نداشته‌ای.

ومسئولیت‌های خویش و نحوه همسررداری و فرزندپروری که می‌تواند در ایجاد موازنه میان حق و تکلیف و آفرینش خانواده‌ای متعادل، دارای محیطی سالم و سراسر محبت و آرامش و در مسیر رشد و تعالی و همسو با رسالت الهی خویش (روم/۲۱) موفق شود؛ چراکه در این الگو برخلاف الگوی دوم، زن و شوهر رقیب و مزاحم هم نیستند، بلکه رفیق و همسفر یکدیگر در سیر به سوی خلیفه الله شدن هستند. از نظر آنان تشکیل خانواده و داشتن فرزندان صالح توفیقی است که آن را از خداوند می‌خواهند (فرقان، ۷۴).

### ۳-۲-۳-۲. حضور در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد امر به معروف و نهی از منکر

براساس آیات قرآن در جامعه ایمانی، زن و مرد بر یکدیگر ولایت اجتماعی دارند؛ از این رو می‌فرماید: مردان و زنان باایمان دوست و یار یکدیگرند؛ همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارند<sup>۱</sup> (توبه/۷۱). در چنین محیطی زنی که در ساحت رشد و تحصیل، تلاش لازم را انجام داده، و به مراتبی از تعالی رسیده است باید نقش آفرین باشد. نمونه‌ای از آن حضرت مریم علیها السلام است که نه تنها الگویی از عفاف و پاکدامنی است که از برکت آن، خداوند، عیسی علیه السلام را به جهانیان عنایت کرد: «و [نیز] مریم دختر عمران [را مثل زده است] که دامان خود را پاک نگه داشت و در نتیجه از روح خود در او دمیدیم»<sup>۲</sup> (تحریم، ۱۲)، بلکه «او به مقام خدمتگزاری خانه پروردگار مفتخر شد» (آل عمران، ۳۶). آسیه علیها السلام نیز پس از رسیدن به کمالات در حرکتی سیاسی و پرمخاطره به مقابله علیه طاغوت زمان خود که از قضا هم سر او نیز بود، پرداخت. ر شد شخصییتی او تا آنجا بود که تحت شکنجه فرعونیان مقام عند الرب (تحریم، ۱۱) را درخواست کرد و نهی از منکر و ولایت اجتماعی را حتی به قیمت پذیرش شهادت در راه خدا ترک نکرد. خدیجه علیها السلام سومین بانوی بهشتی نیز از جان و مال خویش در دفاع از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و آیین او حتی در دوران طاقت فرسای شعب ابی طالب کوتاهی نکرد و سرانجام فاطمه علیها السلام که علاوه بر سرآمدی در

۱. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.»

۲. «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا.»

اطاعت خداوند و علم، تقوا، عبادت، تربیت فرزندان و یاری همسر در راه طاعت خداوند و حمایت از پدر در روزهای سخت و سرنوشت ساز رسالت حضرت ختمی مرتبت ﷺ و نیز در ساحت دفاع از ولایت و تلاش در جهت پیشگیری از ایجاد انحراف در جانشینی پیامبر ﷺ از مسیر خود، حتی با پذیرش شهادت عمل کرد و زینب کبری علیها السلام که باروشنگری، تاریخ را تغییر داد و راهپیمایی اربعین حاصل آن است. معظم رهبری می فرماید:

تا آفتاب درخشان خدیجه کبری علیها السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و زینب کبری علیها السلام می درخشد، طرح های کهنه و نو (ضد زن) یعنی الگوی اول و دوم به نتیجه نخواهد رسید و هزاران زن کربلایی ما نه تنها خطوط سیاه ستم های ظاهری را درهم شکسته اند، بلکه ستم های مدرن به زن را نیز رسوا و بی آبرو کرده، و نشان داده اند که حق کرامت الهی زن، بالاترین حقوق زن است که در جهان به اصطلاح مدرن هرگز شناخته نشده، و امروز وقت شناخته شدن آن است (خامنه ای، <https://khl.ink/f/22138>، ۱۳۹۱/۱۲/۱۵).

#### ۴-۲-۳-۲. قابلیت الهام بخشی و الگوسازی برای جهان

با توجه به اینکه الگوی سوم مبتنی بر آموزه های وحیانی است، منطبق با نیازهای فطری و مشترک میان انسان ها است. خداوند می فرماید: «[با توجه به بی پایه بودن شرک] حق گرایانه و بدون انحراف با همه وجودت به سوی این دین [توحیدی] روی آور، [پابند و استوار بر] سرشت خدا که مردم را بر آن سرشته است، باش. برای آفرینش خدا هیچ گونه تغییر و تبدیلی نیست؛ این است دین درست و استوار»<sup>۱</sup> (روم، ۳۰). واژه حنیف، نشان از اعتدال دارد و فطری بودن دلیل تغییرناپذیری آن و قیم بودن، بر قابلیت اجرای آن در تمام عصرها و نسلها دلالت دارد؛ از این رو، مقام معظم رهبری در این باره می فرماید: اقتدار و جذبه تازه ای به برکت خون این زنان مجاهد تربیت شده مکتب قرآن و عترت) در عصر جدید ظهور کرده است که زنان را ابتدا در جهان اسلام تحت تأثیر قرار داد و دیر یا زود در سرنوشت و جایگاه زنان جهان دست خواهد برد

۱. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَنِينُ.»

(خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۲/۱۵، <https://khl.ink/f/22138>). ایشان در ادامه، ضمن تأکید بر اینکه با وجود بانوان تربیت‌شده این الگو، طرح‌های کهنه و نو ضد زن به نتیجه نخواهد رسید، رسالت هنرمندان و فرزندان را معرفی جهاد بزرگ زن ایرانی مسلمان به دنیا می‌دانند؛ چراکه دنیا سخت به شناختن آن محتاج است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۲/۱۵، <https://khl.ink/f/22138>). ایشان پس از معلم اول، که زن مجاهد صدر اسلام بود، زن مجاهد مسلمان ایرانی را معلم ثانی برای زنان جهان می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۲/۱۵، <https://khl.ink/f/22138>).

باید توجه داشت که الگوهای دینی که در قرآن و روایات معرفی شده‌اند، مثل‌هایی برای الگوی سوم هستند. الگوها را می‌توان به مطلق و نسبی تقسیم کرد. اگر فردی تنها در بعضی صفات سرآمد دیگران باشد، تنها در همان جهت و به صورت نسبی الگوی دیگران است؛ اما اگر کسی در همه ابعاد وجودی و صفات کمال، برتر از دیگران باشد یا آنچه به سبب آن مورد ستایش، و مقتدای دیگران شده است، او صافی باشد که مشمول زمان و مکان نشود، در این صورت وی می‌تواند برای همیشه تاریخ و برای تمام مردم جهان سرمشق باشد. از نظر جنسیت نیز ممکن است مرد یا زنی فقط در میان صنف خود سرآمد دیگران باشد، در این صورت وی فقط برای آنان الگو خواهد بود (هدایت‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۸۵-۸۶)؛ مانند مریم علیها السلام که خداوند درباره ایشان فرمود: «قطعاً خدا تو را برگزیده، و [از همه آلودگی‌های ظاهری و باطنی] پاک ساخته، و بر زنان جهان برتری داده است.»<sup>۱</sup> (آل عمران، ۴۲). آن حضرت، برگزیده زنان دوران خود و با توجه به آیه ۱۲ سوره مبارکه تحریم الگویی برای مردان و زنان مؤمن است؛ لیکن زهرای مر ضیه علیها السلام سرور زنان جهان به شمار می‌آید و از فرمایش امام حسن عسکری علیه السلام است که: «ما حجت‌ها و برگزیدگان خدا بر آفریدگانش هستیم و فاطمه حجت راستین خدا بر ما است»<sup>۲</sup> (طیب، ۱۳۷۸). نیز از امام مهدی علیه السلام نقل شده است که: «دختر رسول خدا (فاطمه) برای من سرمشقی نیکو است»<sup>۳</sup> (طوسی، ۱۴۲۵ق).

۱. «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.»

۲. «نحن حجج الله على خلقه و فاطمه حجة الله علينا.»

۳. «إنَّ لي في ابنة رسول الله أسوة حسنة.»

### ۲-۳-۲-۵. بهره‌مندی از مصداق‌های جامع و موفق

زمانی یک طرح یا الگو می‌تواند موفق و قابل‌اعتماد به شمار آید که به‌رغم چند نوبت اجراء، خطایی از آن مشاهده نشود. حرکت‌های فمینیستی و زنانه نشانه شکست آنان حتی در زمان خود است. حال آنکه اجرای الگوی سوم از ابتدای خلقت تاکنون با موفقیت توأم بوده، و از جامعیت برخوردار است.

پیش از پرداختن به مباحث مربوط به گفت‌وگو باید به این نکته توجه داشت که از آنجاکه برخلاف قرآن، عهدین دستخوش تحریف شده‌اند؛ بنابراین بخش محرف آن، بعضاً با الگوی سوم و بخش غیرمحرف آن با الگوی دوم در تضاد است. برای نمونه در دیدگاه فمینیستی، زن جنس تحقیر شده در طول تاریخ است که باید با نادیده انگاشتن مسئولیت‌های وی در قبال جنس دیگر این حقارت جبران شود؛ اما در بخشی از عهدین به زن عقیف و وظیفه‌شناس بسیار بها داده شده، و از الگوهای ایده‌نال از زن یهودی در نقش‌های مادر و بانوی خانه و فعال در جامعه سخن رفته است؛ زنی خداترس و مسئولیت‌پذیر که مورد احترام و ستایش همسر و پسرانش است (ما سون، ۱۳۸۵، ص ۷۷۵). پولس مقدس نیز مردان را به محبت به همسر خود و زنان را به احترام به شوهران خود دعوت می‌کرد (ماسون، ۱۳۸۵، ص ۷۷۵). مورد دیگر آنکه در دیدگاه فمینیست‌ها زن در بهره‌گیری از بدن خود آزاد است؛ در نتیجه می‌تواند رابطه جنسی با غیرهمسر نیز داشته باشد؛ حال آنکه در مکتب وحی، بدن وی امانت الهی است؛ به‌همین دلیل در شریعت حضرت موسی علیه السلام زن متهم به خیانت، باید برای تنبیه یا تبرئه در برابر کاهن حضور یابد که او را با آب لعنت و تلخی بیازماید (ماسون، ۱۳۸۵، ص ۷۷۵). در قرآن نیز درباره اتهام همسران باید محکمه «لعان» صورت گیرد (نور/۴-۹). این دیدگاه به رابطه با همجنس نیز تسری می‌یابد. در حالی که در قرآن (اعراف/۸۰-۸۱) و در سفر پیدایش فصل ۱۹، به‌عنوان انحراف اخلاقی ساکنان سدوم (لواط) مستوجب عقاب آتش ابدی دانسته شده است و پولس رسول نیز به‌شدت آن را تقبیح کرده است (ماسون، ۱۳۸۵، ص ۷۸۳).

به‌رغم آنکه در اسلام خداوند خود بنیانگذار خانواده (نساء/۱) و مشوق آن (نور/۳۲) است و در یهودیت هدف از ازدواج تشکیل خانواده است که از آن با عبارت «قیدو شن» به‌معنای تقدیس یاد می‌شود و کسی که زن ندارد آدم کاملی نیست (گنجینه‌ای از تلمود، ص ۱۸۰-۱۸۱، در نقل جلیلی، ۱۳۸۳، ص ۶۲-۶۵)؛ اما فمینیست‌ها مدل‌هایی غیرواقعی از ازدواج و خانواده همچون ازدواج سفید و غیر آن را مطرح ساختند و به‌تبع آن مادری، که در قرآن مورد تکریم است (احقاف/۱۵) و در منابع یهودی نیز احترام به والدین مایه طول عمر دانسته شده است (تورات، سفر خروج، ۲۰، فقره ۱۳ به نقل از جلیلی، ۱۳۸۳، ص ۲۷). در دیدگاه فمینیستی، مادری باری است که بر زن تحمیل شده است و باید درصدد تسری آن به مردان یا رفع آن برآمد.

حجاب نزد فمینیست‌ها جایگاهی ندارد؛ اما در قرآن (احزاب/۳۲؛ نور/۳۰-۳۱) و در دیگر ادیان الهی جهت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی بدان توجه شده است. در متون یهودی از چادر و برقع (روبند) به عنوان ابزار مناسب پوشش یاد شده (محمدی آشنایی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۶)، و از نظر تورات اگر زنی بدون پوشش سر به میان مردان رود، مستوجب طلاق است (محمدی آشنایی، ؟؟؟، ص ۱۱۲).

### ۳. گفت‌وگو در میان ادیان در حوزه مسائل زنان و خانواده

#### ۳-۱. ضرورت و نقش گفت‌وگو در میان ادیان

در ادامه مطالبی که مطرح شد اینک مواردی چند از ضرورت و نقش گفت‌وگو در میان ادیان، خصوصاً در حوزه مسائل زنان ذکر می‌شود:

۳-۱-۱. اثبات ناکارآمدی دو الگوی اول و دوم زنان؛

۳-۱-۲. اعلام کارآمدی و قابلیت جهان‌شمولی و مکان‌شمولی الگوی سوم زنان؛

۳-۱-۳. اطلاع‌رسانی به‌جهت نیاز شدید دنیا به‌ویژه جامعه زنان به آگاهی از الگوی وحیانی

و شناخت آن؛

۳-۱-۴. تمرکز بر ضرورت عمل به دستورات الهی در قرآن کریم در جهت بهره‌گیری از

تمام ابزارها از جمله گفت‌وگوی هدفمند و سازنده و جدال احسن در راه دعوت به اسلام

(نحل/۱۲۵)، تبیین کلام خداوند حتی برای مشرکان (توبه/۶) و گفت‌وگو با اهل کتاب باهدف تعالی جامعه توحیدی، براساس اصول مشترک ادیان توحیدی (آل عمران/۶۴)؛  
۳-۱-۵. تقابل با تلاش دشمنان جهت ایجاد تفرقه میان پیروان ادیان و مذاهب جهان؛  
۳-۱-۶. پاسخ به انتظار و مطالبه نخبگان دیگر ادیان.  
امروزه این نیاز را نه تنها جامعه اسلامی بلکه غیرمسلمانان نیز احساس می‌کنند؛ از این رو، رهبر مسیحیان ارتدوکس یونان گوید:

ما مسیحیان ارتدوکس حوزه یونانی نیازمند درک عمیق‌تر و وسیع‌تری از شریعت اسلامی هستیم تا بتوانیم جنبه‌های روشن آن را منعکس کنیم و فرهنگ اسلام و میراث آن را از آنچه به ناحق به او نسبت می‌دهند، تفکیک کنیم. لازم است تا مسلمانان نیز نظرشان را درباره مسائل و چالش‌های زنان همراه با راه‌حل‌های اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت اعلام کنند (خوستوپولوس، ۱۳۸۴).

یکی دیگر از بزرگان مسیحیت در بیان بعضی مشترکات فرهنگی میان اسلام و مسیحیت چنین می‌گوید: اسلام و مسیحیت نوعی جهان‌گرایی را تعلیم می‌دهند و برخلاف جنگ‌های صلیبی که با انگیزه اقتصادی، اما در پوشش دروغین ایدئولوژی آمدند، فرهنگ اسلامی در تعبیر پویای آن هرگز با دیگر فرهنگ‌ها تنش و کشمکش نداشته است (خوستوپولوس، ۱۳۸۴).

این سخنان نشانه رسالت مهم اندیشمندان اسلامی در جهت دفاع از اسلام در برابر تهاجم رسانه‌ای و تبلیغاتی دشمنان و کج‌اندیشان، تبیین دین اسلام به‌عنوان دینی جهانی، کامل‌کننده ادیان الهی پیشین و پاسخ‌گوی نیاز جامعه بشری و پیشنهاد راه‌حل جهت مشکلات لاینحل زندگی بشر امروز است و شاید این احساس نیاز است که در سال‌های اخیر، جهان شاهد حضور جمع کثیری از نخبگان و رهبران ادیان الهی و نحله‌های گوناگون در رویداد بی‌نظیر پیاده‌روی اربعین، در دفاع از مردم مظلوم غزه است.

## ۳-۲. الزامات و شرایط گفت‌وگو

بدیهی است ورود در هر امری الزامات و شرایطی دارد که اگر با دقت شنا سایی، و سپس رعایت شود، می‌تواند ما را به نتایج مطلوب برساند. گفت‌وگو نیز از این امر مستثنی نیست؛ بنابراین دست‌اندرکاران گفت‌وگو در خصوص الگوی سوم زن و خانواده مبتنی بر آموزه‌های وحیانی باید برای موفقیت بیشتر به نکات ذیل توجه کنند:

۳-۲-۱. به کارگیری حکمت، موعظهٔ حسنه و جدال نیکو، خداوند می‌فرماید: «مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] پرداز.»<sup>۱</sup> (نحل، ۱۲۵)

۳-۲-۲. الهام‌گیری از روش تعامل و گفت‌وگوی انبیا با غیرپیروانشان در قرآن کریم جهت دعوت به دین حق و رفتار نبی اکرم با یهودیان و مسیحیان؛

۳-۲-۳. الهام‌گیری از شیوهٔ مناظرات ائمه معصوم به‌ویژه امام رضا علیه السلام با پیروان دیگر ادیان؛

۳-۲-۴. برخورداری از آگاهی کافی دربارهٔ پیشینه و تاریخ زنان در جهان و حرکات و جریانات

افراطی و تفریطی و تأثیرات سوء آنها بر جامعهٔ زنان؛

۳-۲-۵. آگاهی از مطالبات و انتظارات بحق جامعهٔ زنان؛

۳-۲-۶. برنامه‌ریزی مناسب و شایسته برای گفت‌وگو و مناظرات در سطوح مختلف جامعه در سه

حوزه:

۳-۲-۶-۱. مغزافزایی از طریق گفت‌وگو میان صاحب نظران و نخبگان ادیان توحیدی؛

۳-۲-۶-۲. نرم‌افزایی از طریق طراحی و برنامه‌ریزی‌های مشترک بین ادیانی در درون

جامعهٔ توحیدی؛

۳-۲-۶-۳. سخت‌افزایی با تأمین امکانات و به‌کارگیری تکنولوژی جهت برگزاری

نشست‌ها و انجام گفت‌وگو از طریق سمینارها و وینارها، تالارهای گفت‌وگو، رسانه‌های

جمعی، کانال‌ها و شبکه‌های مجازی و غیر آن.

۱. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ.»

### ۷-۲-۳. بهره‌گیری از فرصت‌ها و زمان‌های ویژه

با برنامه‌ریزی صحیح می‌توان از موقعیت‌های گوناگون به‌منظور گفت‌وگو در جهت الگوی زن مبتنی بر تقلید استفاده کرد؛ فرصت‌ها و مناسبت‌هایی همچون اجتماع عظیم پیاده‌روی اربعین و حضور فرهیختگان ادیان گوناگون در آن، روز ولادت حضرت زهراء علیها السلام، روز خانواده، روز هشتم مارس، روز جهانی حقوق بشر و روز جهانی صلح و فرصت‌هایی همچون اجلاس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی کنفرانس اسلامی، بین‌المجالس، جمعیت و توسعه، وزرای زن کشورهای دنیا، سمینارهای گفت‌وگوی ادیان و غیر آن.

### ۸-۲-۳. باور به ضرورت و اهمیت گفت‌وگوی میان ادیان در جهت همزیستی مناسب

انقلاب شکوهمند اسلامی، بیش از چهل سال زیست برادرانه و عادلانه پیروان ادیان الهی و از جمله زنان آنان را تجربه کرده است. از جمله نتایج جهانی شدن این است که فرهنگ‌های گوناگون اینک سریع‌تر و شدیدتر از گذشته بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند (خوستوپولوس، ۱۳۸۴، ص ۱۰۷-۱۱۹). بدیهی است مسلمانان و به‌ویژه شیعیان که دولت عدل جهانی مهدوی را باور دارند باید در این امر که به‌نوبه خود گامی در جهت تسریع تحقق آن است، پیشگام باشند. به‌ویژه آنکه شماری از کارگزاران حکومت مهدوی، از جامعه زنان خواهند بود. بنابر اظهارات بعضی از بزرگان مسیحیت، افزایش روزافزون شمار گروندگان مسیحی به اسلام به‌دنبال سکولاریزه شدن و مسیحیت‌زدایی در غرب، ما را وادار به پذیرش این حقیقت می‌کند که آینده تنها یک جهان را خواهد داشت و تمدن جهانی در قرن بیست و یکم باید به گفت‌وگو تکیه کند (خوستوپولوس، ۱۳۸۴، ص ۱۱۹).

### ۹-۲-۳. بهره‌مندی از سعه صدر و رعایت احترام طرف مقابل با توجه به رسالت مسلمانان

#### در پاسخ به نیازهای بشری

سعه صدر از مواهب الهی است که خداوند به نبی مکرم صلی الله علیه و آله جهت موفقیت در تبلیغ اسلام عنایت کرده است (انشراح، ۱). این مهم در گفت‌وگو نیز باید رعایت شود. یکی از رهبران مسیحیت درباره اهمیت آن چنین گوید: ما مسیحیان ارتدوکس نمی‌توانیم چیزی از ایمان خویش را تغییر دهیم همان‌طور که شما (مسلمانان) نیز نمی‌توانید چنین کنید. ما باید به عقاید

همدیگر احترام بگذاریم و مشترکات خود را بیابیم؛ مشترکاتی که می‌تواند ما را به سوی حیات یکپارچه رهنمون شود (خوستوپولوس، ۱۳۸۴).

### ۳-۳. مهم‌ترین محورهای گفت‌وگو میان ادیان الهی

گفت‌وگویی میان ادیان الهی در حوزه مسائل زنان نیازمند شناسایی و اولویت‌بندی است. ابتدا باید محورهای کلان و اساسی و سپس زیرمحورها یا محورهای فرعی و کم‌اهمیت‌تر بحث و بررسی شوند. از این طریق علاوه بر دستیابی به مشترکات، بخش‌های مصون‌مانده از تحریف در کتب مقدس از بخش‌های محرف آن‌ها بازشناسی می‌شوند. بعضی از مهم‌ترین محورهای گفت‌وگو عبارت‌اند از:

#### ۳-۳-۱. یکسانی منشأ آفرینش زن و مرد

در کتب مقدس زن عمدتاً به‌منظور خدمت‌رسانی به مرد و از دنده او آفریده شده است و نقش تبعی دارد. درحالی‌که از نظر قرآن کریم منشأ آفرینش زن و مرد و سرشت آنان یکسان است (نساء/۱، انعام/۹۸، اعراف/۱۸۹).

#### ۳-۳-۲. نقش مساوی زن و مرد در تداوم نسل بشر

در آیه ۱ سوره نساء و ۱۳ حجرات و غیر آن به تساوی سهم هر دو جنس در تداوم نسل بشر تصریح شده است و در مواردی نیز خداوند از زبان انبیای بزرگ همچون ابراهیم خلیل در دعا برای والدینش، بر نقش مشترک آن‌ها در تولید و تربیت فرزندان اشاره می‌کند (ابراهیم/۴۲).

#### ۳-۳-۳. تساوی زن و مرد در دستیابی به سعادت و شقاوت و اصلاح چهره گناه‌آلود زنان

تحقیق درباره تصویرپردازی از زنان در کلیسا و تاریخ مسیحیت آشکار می‌سازد که نزد آنان فقط دو تصویر از زن وجود دارد؛ گناهکار (حوا) یا باکره (مریم) که مادر بودن و فرمانبرداری را دربرمی‌گیرد (تاجور، و پورطهما سبی، ۱۳۸۸)؛ درحالی‌که بسیاری از آیات قرآن بر کرامت بنی‌آدم یا همان انسان دلالت می‌کنند؛ مانند آیه کرامت بنی‌آدم (اسراء، ۷۰)، کرامت ذاتی انسان حاصل از دمیده شدن روح الهی در او<sup>۱</sup> (ص/۷۲) یا کرامت اکتسابی انسان (احزاب، ۳۵) و

۱. «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي.»

لیاقت او برای وصول به مقام خلیفه‌اللہی (بقره/۳۰). در قرآن برخلاف آنچه در تورات آمده است، زنان مشمول لعن دائمی الهی نیستند؛ بلکه می‌توانند در جامعه ایمانی الگوی صلاح و فساد در نظر گرفته شوند (تحریم، ۱۰-۱۲).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در قرآن کریم بیش از ۴۰۰ آیه دربارهٔ اهتمام و ارج نهادن به مقام زنان وجود دارد که در آن‌ها موقعیت بانوان بازگو شده است. علاوه بر آن، آیات الهی چهرهٔ حقیقی بسیاری از بانوان را ترسیم کرده، و به دفاع از حقوق و شخصیت و منزلت آنان پرداخته است. روایات فراوانی نیز دربارهٔ این موضوع وجود دارد. در بخش تحریف‌نشدهٔ شریعت حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام و دیگر ادیان الهی نیز زنان از جایگاه خاص و کرامت لازم برخوردارند؛ ولی در بخش تحریف شده تصویبی از زنان ارائه می‌شود که باعث رنجش خاطر و بلکه منجر به گریز آنان از دین شده است.

#### ۳-۳-۴. حق مالکیت زنان

دین یهود، زن را ملک مرد و آفریده شده از دندهٔ وی، و شوهر را صاحب همسر خود می‌داند؛ از این رو ربی‌های یهود حق شوهر دربارهٔ اموال همسرش را نتیجه‌ای فرعی از مالکیت شوهر می‌دانستند و تا همین اواخر مسیحیت به تبع یهود، زن را پس از ازدواج، از دارایی، شخصیت حقوقی و نام خانوادگی خود محروم می‌ساخت (عظیم‌زاده اردبیلی، و خسروی، ۱۳۸۸)؛ یعنی از نظر آنان، زن همچون صغیر و مجنون و محجور، از تصرف در اموال خود محروم بوده است؛ اما اسلام چهارده قرن پیش حق مالکیت را برای زنان به رسمیت شناخت و از حقوق اقتصادی و مالکیت زن در قالب نفقه، مهریه (نساء/۴)، ارث خویشاوندان (نساء، ۷، ۱۱، ۱۲) و بهره‌گیری از حاصل دسترنج خود (نساء، ۳۲) حمایت کرد.

#### ۳-۳-۵. تساوی در تحصیل علم و دانش

این حق از جمله مطالبات جدی فمینیست‌ها بوده است؛ حال آنکه آیات قرآن (زمر، ۹) و روایات معصومان و تاریخ اسلام بر تساوی زن و مرد در این مورد دلالت دارد.

### ۶-۳-۳. برابری زنان در بهره‌مندی از حقوق سیاسی

حق رأی سیاسی زنان تنها در اوایل سده بیستم یعنی از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۷۱ در کشورهای اروپایی به رسمیت شناخته شد (حسینی، ۱۳۷۴) حال آنکه زن علاوه بر رسالت مادری و همسری، نقش مهم دیگری دارد و آن تولید تاریخ است؛ زن مادر تاریخ نیز هست؛ زیرا تاریخ چیزی جز حرکت مستمر و اتصال جوامع بشری و جمع منحنی‌های صعودی و نزولی پدیده‌های مثبت یا منفی انسانی نیست (خامنه‌ای، ۱۳۸۷)؛ بنابراین در آیات قرآن (ممتحنه/۱۲) به صراحت از این حق با عنوان بیعت دفاع شده است. علاوه بر آن بر تارک صفحات تاریخ انبیا و به‌ویژه پیامبر اسلام تاکنون، مجاهدت‌های سیاسی زنان اعم از حضرت زهراء علیها السلام و زینب کبری علیها السلام و دیگر بانوان مسلمان در پیروزی انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس می‌درخشد.

#### یافته‌های پژوهش

مسائل زنان در طول تاریخ را می‌توان بر اساس سه الگو بررسی کرد. در دو الگوی اول و دوم، تقابل فاحش و فزاینده میان نقش‌های زن و مرد به چشم می‌خورد؛ حال آنکه الگوی سوم که مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و قرآنی و دربرگیرنده دو بعد جسمانی و روحانی زنان است، چنین نیست و در آن حقوق زنان بلکه حقوق تمامی آحاد جامعه لحاظ شده است. به این ترتیب، تعارضی میان حقوق یک جنس با جنس دیگر وجود ندارد. براساس این الگو رابطه میان زن و مرد تقابلی نیست، بلکه مشارکت سازنده هدفمند و تعریف شده است؛ طراح و ارائه‌دهنده این الگو نه مردانی هستند که به این امور از سر ناآگاهی مردانه بنگرند تا به حذف یا نگاه حداقلی به زنان منجر شود و نه گروه‌های فمینیستی‌اند تا جهت زنانه‌سازی تمام امور حتی به طراحی خدای زنانه اقدام کنند؛ بلکه این الگو را خداوند رحمان ارائه کرده است که خود آفریدگار انسان، خالق، حکیم و علیم است و جنسیت‌بردار نیست؛ نه جنسیت مذکر دارد و نه جنسیت مؤنث؛ بنابراین تبعیت از این الگوی بی‌طرفانه و حکیمانه می‌تواند تنها راه علاج درد کهنه نگرش به زنان باشد و گفت‌وگوی میان فرهیختگان ادیان الهی بر مبنای منابع صحیح و معتبر وحیانی می‌تواند زن را به جایگاه واقعی، و جامعه را به سعادت برساند و این الگو همان الگوی

سوم مطرح شده مقام معظم رهبری است. در این پژوهش که با روش اسنادی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده، ضمن بررسی الگوهای زنان، غنای الگوی سوم و مسائل پیرامون آن بیان، و به ضرورت گفت‌وگو، الزامات آن همچون به‌کارگیری حکمت و موعظه حسنه، برنامه‌ریزی مناسب و غیره، محورها و شرایط آن نظیر یکسانی در منشأ آفرینش و دستیابی به سعادت و شقاوت و حقوق سیاسی و علمی و غیره پرداخته شده است؛ ولی به‌رغم بررسی محورهای مشترک گفت‌وگو میان ادیان به‌جهت محدودیت فضای مقاله از تفصیل آن خودداری شد؛ از این رو پیشنهاد می‌شود کارشناسان ادیان، محورهای گفت‌وگو در مسائل زنان را در قالب پایان‌نامه، مقاله، کتاب، نشست‌های علمی و کرسی‌های نظریه‌پردازی به تفکیک بحث و بررسی کنند.

### منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۴). ترجمه مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران. تهران: واژه‌پرداز اندیشه.
- اسمعیلی پوزان، مریم؛ فلاح تفتی، فاطمه (۱۴۰۳). اصول و قواعد فقهی حاکم بر سبک زندگی زنان کارمند براساس فقه تربیتی امامیه. فقه و حقوق خانواده، ۲۹(۸۰)، ص ۵-۳۵.
- تاجور، آذر؛ و پورطهماسبی، سیاوش (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی منزلت زن در الهیات فمینیستی و اسلام (مهدویت)، (مجموعه مقالات) فالودی دومین همایش جهانی زنان، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- جلیلی، محمدرضا (۱۳۸۳). جایگاه زن در اسلام و بهبودیت. تهران: دستان.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). مادری، طلیعه حیات طیبه. مجموعه مقالات مادری در نگاه دینی و عینیت اجتماعی. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). زن در آیین جلال و جمال. قم: اسراء.
- چارفیلیس، لوکاس (۱۳۸۴). محیط خانواده در جامعه معاصر. مجموعه مقالات خانواده و همزیستی مسالمت‌آمیز از نظر اسلام و مسیحیت ارتدوکس. تهران: الهدی.
- حسینی، بشیر (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نی.
- خامنه‌ای، علی، پیام به کنگره هفت هزار زن شهید کشور، ۱۳۹۱/۱۲/۱۵، <https://khl.ink/f/22138>
- خامنه‌ای، محمد (۱۳۸۷). فلسفه زن بودن؛ مقدمه‌ای بر حقوق زن. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدا.

- خوستوپولوس، دلی (۱۳۸۴). حقوق زن در اسلام و جهان غرب. مجموعه مقالات خانواده و همزیستی مسالمت‌آمیز از نظر اسلام و مسیحیت. تهران: الهدی.
- دورانت، ویل (۱۳۴۳). تاریخ تمدن (ابوالقاسم طاهری و احمد آرام، مترجمان). ۴۴۴: اقبال.
- دولتی، غزاله؛ حسینی اکبرنژاد، هاله و حوری (۱۳۸۸). بررسی مبانی فلسفی، اخلاقی و کلامی آثار عملی فمینیسم. قم: دفتر نشر معارف.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی فمینیسم. مجموعه مقالات خانواده و همزیستی مسالمت‌آمیز از نظر اسلام و مسیحیت ارتدوکس. تهران: الهدی.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۳). مادری در نظام معنایی اسلام؛ چالش‌ها و مسئولیت‌ها. مجموعه مقالات مادری در نگاه دینی و عینیت اجتماعی. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- سازمان فرهنگ و ارتباطات (۱۳۸۴). مجموعه مقالات خانواده و همزیستی مسالمت‌آمیز از نظر اسلام و مسیحیت ارتدوکس. تهران: الهدی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق). العیبه. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- طیب، سیدعبدالحسین (۱۳۷۸). أطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: اسلام.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه؛ و خسروی، لیلا (۱۳۸۸). مطابقت تطبیقی حقوق زن از منظر اسلام و غرب. تهران: سپیده.
- فالودی، سوزان (۱۳۸۸). واکنش جنگ ناشناخته علیه زنان امریکا. مجموعه مقالات فمینیسم، افسانه شکست آزادی زنان، نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها.
- ماسون، دنیز (۱۳۸۵). قرآن و کتاب مقدس، درونمایه‌های مشترک (فاطمه تهامی، مترجم). تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- محمدی آشنائی، علی (۱۳۷۲). حجاب در ادیان. قم: اشراف.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵). از جنبش تا نظریه اجتماعی، تاریخ دو قرن فمینیسم. تهران: پژوهش شیرازه.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵). از جنبش تا نظریه اجتماعی، تاریخ دو قرن فمینیسم. تهران: پژوهش شیرازه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). مجموعه آثار شهید مطهری. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: صدرا.
- موسوی، معصومه (۱۳۷۸). تاریخچه مختصر تکوین نظریه‌های فمینیستی. تهران: الهدی.
- نظریبگی، مریم و همکاران (۱۳۹۹). ویژگی‌های نظام قانونگذاری قرآن در حوزه خانواده با رویکردی به تفسیر المیزان. فقه و حقوق خانواده، ۲۵(۷۳)، ص ۲۱۳-۲۳۶.
- هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۹۶). الگوی سوم، الگوی رفتاری زن در خانواده و جامعه. تهران: لشکر فرشتگان.